

اقدامات بوده، اکثراً در حالت جنینی و به لحاظ تکنیکی خصوصیت تجربی دارند. اما این تجربیات مرتب در حال بهبود است و برجسته‌ترین عنصر در حال رشد این است که همزمان با گسترش دامنه دسترسی به اینترنت، و تجربه کردن تأثیر گذاری آن، بسیاری که در حالت عادی استفاده کننده‌های معمولی این ابزار هستند، در هر شرایط معین به طور بالقوه می‌توانند به عناصر تشکیل دهنده یک اقدام مستقیم و مداخله گر بدل شوند. ذکر مثالی از تجربه شهروندان ساکن یکی از شهرهای هلند در اوائل دهه ۱۹۹۰ میلادی، شاید در این زمینه گویا باشد. یک موضوع ساده محلی به بحثی داغ بدل می‌شود. اهالی محل که بخشی از آنها به تازگی به شبکه متصل شده‌اند، از این وسیله برای طرح مسئله و اعمال فشار به نهادهای دولتی محلی استفاده می‌کنند. شورای شهر مجبور می‌شود به مقام‌های عالی‌تر متوسل شود. در جریان پی‌گیری اختلاف، تعداد شرکت‌کنندگان در مباحث روی شبکه افزایش می‌یابد و در نهایت به یک رو در روئی مستقیم بین شهروندان و سیاستمداران بدل می‌شود. گذشته از آن که نتیجه مبارزه برای آن خواست معین به کجا رسیده دو نکته جای مکث داشت: اول این که شهروندان عادی توانستند نیروی مؤثری را گرد آورده و به بهترین نحو ممکن مقامات مسئول را زیر فشار قرار دهند؛ و دوم این که عملاً ثابت شد که مردم در یک چنین عرصه‌ای که خود آن را به میدان مباحثه و بعد کشمکش بدل کرده‌اند از تمام سیاستمداران و مقامات دولتی ظرفیت دمکراتیک بیشتری دارند. بسیاری از سیاستمداران درگیر تاب تحمل اعمال روش‌های دمکراتیک مستقیم و یا ظرفیت پاسخ‌گوئی به استیضاح از سوی شهروندان را نداشتند. پهناوری عرصه مجازی شبکه اینترنت و ظرفیت آن برای انعکاس رنگارنگ‌ترین نظرات بدون آن که از طریق کانال‌های مرسوم جاری شده باشد، یکی از خصوصیات است که می‌تواند این ابزار را در اعمال فشار بر ارگان‌ها و دولت‌ها مؤثر سازد به خصوص که بسیاری از سیاستمداران پرورش یافته دمکراسی‌های پارلمانی زنگ زده اصلاً توان رویارویی مستقیم با مردم را ندارند.

نافرمانی الکترونیکی در حدود ده سالی که از حیات آن می‌گذرد راه طولانی‌ای را پیموده است. این که تا چه حد توانسته در مقابل تعرض صاحبان اصلی ابزارهای جدید و یا در مبارزه با دولت‌ها موفق باشد بحث دیگری است که در این مقاله به آن نمی‌پردازیم. در سال ۱۹۹۵ میلادی در جریان تدارک آمریکا و متحدان‌اش برای دخالت در خلیج فارس، شبکه‌های اینترنت و بطور مشخص شبکه‌هایی مثل «شبکه صلح» Peace Net برای تبادل نظر و گسترش اطلاعات مربوط به مبارزه با جنگ مورد استفاده قرار گرفت. در آن مقطع نشان چشم‌گیری از استفاده از این ابزار برای اقدامات مستقیم دیده نمی‌شد. اما همان‌طور که پیش‌بینی برخی از صاحب‌نظران در آن زمان نشان می‌داد اگر موضوع مهم دیگری در این ابعاد در آینده روی دهد، مسلماً شبکه اینترنت علاوه بر نشر اطلاعات، برای سازماندهی اقدام نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. و این در تظاهرات ضد سرمایه‌داری جهانی در سال گذشته و به خصوص نمونه سیاتل خود را به خوبی نشان داد.

ویژگی‌ها و مختصات عملی

از یادآوری مفصل این نکته پرهیز می‌کنم که زمینه‌های بررسی در این مورد

بخصوص، اساساً جوامع پیشرفته‌ای است که شبکه‌های کامپیوتری و اینترنت در آن دارد عمومیت می‌یابد. در یک چنین جوامعی رشد استفاده از اینترنت از یک طرف، و تقریباً همزمان با آن گسترش جنبش‌های تک‌مضمونی از طرف دیگر، فرآیندی است در هم تنیده که در مجموع باعث شده است سرعت عمل، اثرگذاری بالقوه و ادامه کاری نافرمانی‌های مدنی در دوران جدید بیشتر شود. در اینجا ما، هر چند به صورت تجربی، اما فقط یک سکه را یعنی تأثیرات شبکه اینترنت بر کم و کیف جنبش‌ها و نافرمانی‌های مدنی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در دوران ما قیل رسانه‌های الکترونیک، سازماندهی یک تظاهرات وسیع مستلزم سازماندهی‌ای وسیع و جمع‌آوری عده زیادی از مردم در یک زمان و مکان مشخص بود و در بسیاری از کشورهای دمکراتیک، یک چنین حرکتی می‌بایست در چهارچوب محدودیت‌ها و اجازه‌های دریافت شده از پلیس و مقامات انتظامی انجام می‌شد. در شرایطی که امروزه مرزهای تبلیغ، نشر و حتی تدارک سازماندهی اقدامات در عرصه مجازی اینترنت بسیار پهناورتر است. اقدام در عرصه اینترنت مثل به راه انداختن یک راه‌پیمائی یا اشغال مجازی فقط با فشار دادن دکمه یک ابزار کنترل از راه دور عملی است. شعاع عمل آن تمامی پهنه مجازی رسانه‌های الکترونیکی را در برمی‌گیرد و به این ترتیب می‌توان وسیع‌ترین نیروی شرکت‌کنندگان و مداخله‌گران را از هر کجای جهان گرد، آورد آنها را به یک نیروی متمرکز بدل ساخته و بعد ضربه را به هر کجا که مناسب‌ترین و یا ضعیف‌ترین است وارد آورد.

نافرمانی مدنی در عرصه مجازی رسانه‌های الکترونیک می‌تواند به شکل ساده‌تری پوشش لازم برای اختفای خود را فراهم کند، به خصوص در شرایطی که نیروی هدایت کننده بتواند تعداد هر چه بیشتری را در هر اقدام دخالت دهد. به عنوان مثال ارسال اطلاعات یا پیام‌های طولانی و حجیم به صندوق‌های پست الکترونیکی سایت‌های دولت‌ها و شرکت‌ها می‌تواند شبکه‌های کامپیوتری آنها را مختل کند. و حتی اگر حجم و تداوم ارسال این پیام‌ها به حد کافی سنگین شود، نه تنها سایت کامپیوتری مورد نظر بلکه خطوط ارتباطی آن مراکز ارائه کننده سرویس کامپیوتری آن نیز از کار خواهد افتاد. نکته دیگر این است که در نافرمانی مدنی الکترونیکی امکان مورد هدف قرار دادن شرکت‌ها و نهادهای خصوصی نیز بیشتر از گذشته است. شرکت‌ها و مؤسساتی که فعالیت مالی - اجتماعی یا فرهنگی آنها با منافع مردم مغایرت دارد در این سیستم می‌توانند به سادگی هدف حمله قرار بگیرند. ساده‌ترین نوع اقدام علیه آنها، افشاگری است و احتمالاً پیچیده‌ترین آن مختل کردن فعالیت‌شان. به عنوان مثال یک گروه از فعالان مدنی به نام جبهه آزادی بخش اینترنت (Internet Liberation Front) از سال ۱۹۹۴ اولین حملات خود از همین نوع را به شرکت‌هایی که هدف‌شان تجاری کردن کامل شبکه اینترنت است آغاز کردند.

البته فعالیت در عرصه اینترنت مثل فعالیت و مشارکت در نافرمانی‌های مدنی ما قبل آن، بدون خطر نیست. همزمان با شروع نافرمانی‌های مدنی الکترونیکی و حتی شاید قبل از آن بسیاری از دولت‌های غربی، از جمله آمریکا و بریتانیا دستگاه‌های پلیسی خود را در شبکه اینترنت فعال کردند. اکنون قریب به ۲۰ درصد از کل فعالیت‌های مربوط به تکنولوژی